



وضعیت اپیدمی

و جهش ابعاد باطنی دین داری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



حجة الاسلام حمید پارسانیا

دیدگاه‌های کرونایی دکتر تقی آزاد ارمکی، ابهامات و پرسش‌هایی را پیش رو گذاشت، که توسط حجت الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، مورد نقد و بررسی قرار گرفت و پاسخ‌های آن ارائه شد.

است. یعنی آن چنان نیست که کسانی که به جبهه نمی‌رفتند، با جنگ درگیر نبودند (موافق و مخالف هر کدام کار خود را می‌کرد). الآن هم دقیقاً در کرونا همه کنش‌گرند، همان طوری که در جنگ همه کنش‌گر بودند.

در دوران جنگ، همه دنیا علیه ما وارد عمل شدند. در داخل کشور نیز همه نیروها کنش‌گر بودند و هر کسی کار خودش را انجام می‌داد، روشن‌فکران ما کار خودشان را کردند و نیروهای انقلابی کار خودشان را. ضد انقلاب هم کار خودش را می‌کرد. یک تفاوتی در این جا وجود دارد و آن این است که در جنگ همه ایستاده بودند و برنامه می‌ریختند، اما در پدیده کرونا، این ویروس، بیرونی‌ها را هم درگیر خودش کرده است. اما در جنگ این طور نبود، یعنی هم شرق و هم غرب و هم منطقه، همه هماهنگ عمل می‌کردند و خودشان یک جبهه بیرونی داشتند، اما کرونا آن‌ها را هم در درون خود درگیر کرده است.

● کرونا؛ فرصتی برای بروز ابعاد باطنی دین‌داری

به نظر می‌رسد، در تحلیل دکتر آزاد از عمل کرد دین، اولاً، بیشتر بخش مناسکی آن مورد توجه قرار گرفت؛ ثانیاً، مناسک هم به مناسک موجود در آن خلاصه شده است. حال آن که

بدین ترتیب، «مجله حوزه» با ارائه هر دو دیدگاه، می‌کوشد تا نسبت بحران کرونا و دین‌داری در جامعه ایران را مورد کنکاش قرار دهد. تشبیه کرونا به دوران جنگ تحمیلی، تشبیه زیبایی است، اما تفکیک میان آن دو را که در مطلب دکتر آزاد ارمکی بود، نمی‌پسندم. ایشان در این تشبیه گفتند: برخلاف جنگ که یک گروه خاصی وارد معرکه شدند و بعد از جنگ یک اجتماعی را تشکیل دادند و توانستند دولت تشکیل بدهند، در پدیده کرونا، همه درگیر شده‌اند. لازم است به این نکته توجه شود که ما امروز بعد از گذشت سه دهه از جنگ، بسیاری از نقاط قوت انقلابمان و موفقیت‌هایی که داشتیم، در همان نیروهایی است که در جنگ پرورش یافتند. امام راحل نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند:

«آنچه برای این جانب غرورانگیز و افتخارآفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه هستند می‌باشند و این است فتح‌الفتوح.»^۱

به نظر من، در جنگ هم، همه ایرانی‌ها درگیر بودند و همه‌ی جهان هم درگیر بودند. البته ابعاد و مسائل آن فرق می‌کند، اما این تشبیه را باید توجه داشته باشیم که تقریباً همه‌جانبه

ما امروز بعد از گذشت سه دهه از جنگ، بسیاری از نقاط قوت انقلابمان و موفقیت‌هایی که داشتیم، در همان نیروهایی است که در جنگ پرورش یافتند. امام راحل نیز به این موضوع اشاره کرده‌اند: «آنچه برای این جانب غرورانگیز و افتخارآفرین است روحیه بزرگ و قلوب سرشار از ایمان و اخلاص و روح شهادت‌طلبی این عزیزان که سربازان حقیقی ولی‌الله‌الاعظم ارواحنا فداه هستند می‌باشند و این است فتح‌الفتوح.»

بروز و ظهور اجتماعی خودش را نشان بدهد، مأذنه و اذان داشته باشد، صدایش اول وقت همه شهر را فرا بگیرد؛ اما اگر نشد که مأذنه داشته باشد، باید بدون مأذنه و اذان اقامه شود، اگر نشد داخل مسجد،

باید در خانه اقامه شود و اگر نشد که ایستاده، باید نشسته باشد، اگر نشد نشسته، باید خوابیده باشد و اگر هیچ کدام از این‌ها امکانش نبود، باید با اشاره قلب باشد. ما این مسئله را در زیارات هم داریم. یعنی این چنین نیست که وقتی جنبه بیرونی یک منسک گرفته شد، جنبه باطنی و قلبی آن هم گرفته شود.

اصلاً هیچ قرائتی از تشیع اجازه نمی‌دهد که ظاهر دین، جدای از باطن آن دیده شود و عملاً باطن دیانت اولاً، الآن خودش را نشان می‌دهد و ثانیاً، در قالب مناسکی جدید ظهور پیدا می‌کند، بنابراین تشبیه جمهوری اسلامی سوم به جمهوری مناسک بی وجه است.

کرونا اتفاقاً یک فرصتی است تا نشان دهد دین‌داری هم به جنبه مناسکی آن خلاصه نمی‌شود و هم مناسک آن با همه زندگی ارتباط دارد. با همه ابعاد زندگی ارتباط دارد و کنش می‌کند. به نظر، حرکت مذهبی و دین‌داری

بخش مناسکی دین در ایران به آنچه که اکنون قوی است و حضور و بروزی گسترده و همه‌جانبه دارد، محدود نمی‌شود. اصلاً دین همه زندگی در ایران است و این ویژگی اسلام و تشیع است و در هر شرایطی بخشی از آن ظهور می‌کند. لذا اگر شما به

تشیع توجه کنید، جمع میان «ظاهر و باطن» بسیار قوی است.

در تحلیل ایشان، باطن دین دیده نشده است. حضور باطن است که قدرت مانور در مناسک را نیز پدید می‌آورد. خداوند همه‌جا هست، امام در همه‌جا هست. «وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ»^۲. مثالی بزنم، شاید در میان مناسک، منسکی مهم‌تر از نماز نداشته باشیم که در هیچ حال تعطیل نمی‌شود و اقامه صلاة بسیار مهم است و

از ویژگی مؤمنان این است که وقتی به قدرتی می‌رسند و بروز و ظهور اجتماعی دارند، بروز نماز را پررنگ می‌کنند و اقامه صلاة می‌کنند.^۳ در بروز ظاهری و بیرونی بسیار مهم است که رئیس یک مجموعه اداری، نمازش را بخواند، در جلوی مردم بیاید و به جماعت نماز بخواند، این در سطح بروز اجتماعی، بازدارنده از منکر است. لذا در سطح فرهنگ عمومی باید نماز حضور زنده و فعال داشته باشد. همین نماز که اگر فرصت پیدا بکند سعی می‌کند

نمی‌دانم دکتر آزادارمکی، با چه ملاکی جمهوری اسلامی سوم را جمهوری مناسک می‌دانند؟ اصلاً هیچ قرائتی از تشیع اجازه نمی‌دهد که ظاهر دین، جدای از باطن آن دیده شود و عملاً باطن دیانت اولاً، الآن خودش را نشان می‌دهد و ثانیاً، در قالب مناسکی جدید ظهور پیدا می‌کند. کرونا اتفاقاً یک فرصتی است تا نشان دهد دین‌داری هم به جنبه مناسکی آن خلاصه نمی‌شود و هم مناسک آن با همه زندگی ارتباط دارد.

و رسیدگی به هم‌دیگر می‌کنند، یک منسک اجتماعی دینی است. همه خانواده‌ها بخشی از بیمارستان شده‌اند. همه، مریض خودشان را در درون خودشان می‌پذیرند و تا جایی که بتوانند به جای دیگر نمی‌فرستند. این‌گونه رفتارها، به نوع اعتماد، باور و اندیشه مردم بازمی‌گردد. این‌ها همه دین است.

متأسفانه اکثراً، ابعاد کرونا را به دو بعد سلامت و اقتصاد تقلیل داده‌اند، درحالی‌که جامعه و فرهنگ این جامعه، نسبت به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی که انجام می‌شود، بسیار فعال است ولی خودآگاهی در سطح مدیریت اجتماعی نسبت به این قضیه وجود ندارد. به لحاظ تئوریک و نظری نیز، صاحب‌نظران از تحلیل آن غفلت کرده‌اند و در مدیریت و برنامه‌ریزی نسبت به ظرفیت حضور دین و چگونگی استفاده از آن، کمتر سیاست‌گذاری می‌شود.

● جامعه مقاوم و تغذیه از بستر فرهنگی

اگر این عمل کرد دینی مردم در مرحله رسیدگی به نیازمندان و خیریه‌هایی که راه افتاد بررسی شود و فراخوانی که رهبری برای ماه مبارک رمضان و کمک به آسیب‌دیدگان اقتصادی بیان کردند مورد توجه قرار گیرد، می‌توان تحلیل‌های دیگری از جامعه ایران داشت. برخی خیلی ساده از کنار مسئله می‌گذرند و می‌گویند ما مملکت بحران دیده هستیم. البته این سخن درستی است ولی نباید

مردم در کرونا را نباید در رفتن یا نرفتن به نماز جمعه و یا به زیارت‌گاه‌ها خلاصه کرد. حرکت ایران در مقابله با کرونا در قیاس با بقیه کشورها، کاملاً متفرد و یگانه است و این تفرد عمل کرد، به علت حضور باور و اعتقاد دینی مردم است.

الآن تمام مراکز و مجموعه‌های مذهبی و فرهنگی مانند آستان قدس رضوی، جمکران و مراکز دیگر، امکاناتشان را به خدمت مبارزه با کرونا آورده‌اند و این رفتار به عنوان بخشی از مناسک دینی در حال بروز و ظهور است. آستان قدس، تمام نیروها، خادمان و توان و خط تولیدش را به خدمت مبارزه با کرونا و حوزه خدمات اجتماعی آورده است. این کار بسیار فراگیر و گسترده است. البته این هم جای سؤال دارد که چرا بازنمایی صحیحی از فعالیت و خدمات مراکز و آستان‌های مقدس انجام نمی‌شود و گاهی به نام دیگران ثبت و بازنمایی می‌شود.

● انعطاف در لایه مناسکی دین و بروز مناسک اجتماعی جدید در هم‌دلی

درست است که سطح مناسکی دین به شدت در یک سطحی آسیب‌دیده است، اما مناسک به یک صورت دیگر بروز پیدا کرده است. به عنوان مثال در دوران جبهه وقتی رزمندگان اعزام می‌شد، از زیر قرآن رد می‌شد و این یک منسک بود و جهاد بود. امروز هم تلاشی که مردم برای همکاری

مسئله را به آن تقلیل داد و باید گفت ما ملت مقاومتی هستیم و به همین دلیل در برابر کرونا مقاومت بهتری داریم و همین مقاومت دائماً از بستردین داری مردم تغذیه کرده است که توانسته ادامه پیدا بکند و الآن هم این کار را ادامه می‌دهد. خیلی تعجب می‌کنم که برای سنجش وضعیت دین داری مردم، صرفاً به بخش خاصی از مناسک آن‌ها توجه می‌شود و وقتی این بخش از مناسک نیست، نتیجه گرفته می‌شود دین در حاشیه رفته است.

به نظر می‌رسد دین در عرصه‌های جدید فرصت بروز و ظهور پیدا کرده است و مناسک مربوط به آن بخش را نیز ایجاد می‌کند. بعد از کرونا یک تعبیری را رهبری به کار بردند، که یک رزمایش انجام شده است. یک همایش ملی برای این که با این مسئله مقاومت بکنند، یک مجموعه‌های جدید به وجود آمده‌اند. گروه‌های فراوانی که به درب خانه‌ها می‌روند، سرشماری می‌کنند ولی متأسفانه این زوایای کرونا و دین داری و باورهای مردم دیده نمی‌شود.

● غفلت سیاست‌گذاران از ظرفیت‌های فرهنگی

دینی جامعه در مواجهه با پدیده کرونا

در جلسه‌ای با برخی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی در رابطه با سیاست‌گذاری‌های فرهنگی مربوط به کرونا، وزرای محترم گزارش‌هایی را ارائه کردند. اکثر وقت این جلسه به دو بُعد از پدیده کرونا اختصاص داشت: یکی، سلامت مردم، که البته بسیار مهم است و محور قضیه می‌باشد و دیگر، اقتصاد.

نوع سیاست‌گذاری‌ها و فعالیت‌هایی که انجام

می‌شود، براساس این دو محور است. درست است که در مدیریت و برنامه‌ریزی مسئله، باید دو بخش سلامت و اقتصاد، حضور فعال داشته باشند و لکن نباید به این دو بخش خلاصه شود. بخش فرهنگ و دین نیز بایستی حضور مستقیم و فعال داشته باشد تا هم از ظرفیت آن استفاده بهینه شود و هم برنامه‌ریزها در اثر غفلت، به این بخش آسیب نرسانند.

متأسفانه ما در سطح مدیریت اجتماعی، به هویت اجتماعی و فرهنگی کرونا کمتر توجه می‌کنیم. ظرفیتی که در جامعه، عمل می‌کند، دقیقاً باورهای دینی مردم است که سطوح بسیار مختلفی دارد. ما

متأسفانه اکثراً، ابعاد کرونا را به دو بعد سلامت و اقتصاد تقلیل داده‌اند، درحالی‌که جامعه و فرهنگ این جامعه، نسبت به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی که انجام می‌شود، بسیار فعال است ولی خودآگاهی در سطح مدیریت اجتماعی نسبت به این قضیه وجود ندارد. به لحاظ تئوریک و نظری نیز، صاحب‌نظران از تحلیل آن غفلت کرده‌اند و در مدیریت و برنامه‌ریزی نسبت به ظرفیت حضور دین و چگونگی استفاده از آن، کمتر سیاست‌گذاری می‌شود.

● وحدت میان ظاهر و باطن دین

آقای دکتر آزادارمکی حوزه‌هایی را بین دین تفکیک می‌کنند که البته درست است. مثلاً حوزه مناسک، یا حوزه فعالیت‌های اجتماعی، فعالیت‌های علمی و... اما یک وحدتی بین همه این‌ها هست که این وحدت را نباید فراموش کرد. آن حاق و حقیقت دین و روح دین‌داری است که به همه این‌ها وحدت می‌دهد و به حسب شرایط مختلف در هر یک از این‌ها ظاهر می‌شود و از آن نباید غفلت کرد. اگر در مناسک، آن بُعد معنوی و معرفتی نباشد، نفاق شکل می‌گیرد و اصلاً این مناسک نیست. این عامل وحدت را نمی‌شود از مناسک جدا کرد، این را نباید از نظر دور داشت. ایشان می‌گویند علما و روحانیون چه کار می‌کردند که هنوز بعضی از مناسک بروز و ظهور دارد؟

در پاسخ می‌گوییم: اتفاقاً علما این مناسک را حمایت و کنترل می‌کردند و هرجایی که شکل بدعت می‌گرفت، مقاومت می‌کردند. نمی‌گوییم که مناسک کاملاً در چارچوب اصول انجام می‌شود. اما از اصول هم نمی‌تواند خیلی فاصله بگیرد.

آن کسی که واقعاً متدین است و هویت دینی دارد، همان‌طور که در مناسک شرکت می‌کند، فعالیت اجتماعی هم انجام می‌دهد و کار علمی خودش را هم می‌کند. حضور در همه این صحنه‌ها، حضور دینی است. وقتی که زمینه برای حضور در مناسک نبود،

اگر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی درستی انجام دهیم و ظرفیت‌های مردمی را شناسایی کنیم، می‌توانیم در آینده استفاده بسیار بهتری از آن داشته باشیم. اگر نگاه فرهنگی حاکم باشد، مساجدی را که عملاً کانون مقاومت‌ها و فعالیت‌ها و کنش‌های مردمی برای کروناست، شاید بتوانیم فعال کنیم و کیت‌های تشخیص را در مساجد قرار دهیم و هر مسجدی، کانون تشخیص کروناپی‌های محله خودش و کانون مدیریت این مسئله باشد. علی‌رغم این که در میدان، نیروهای دینی و مذهبی بسیار فعال هستند اما برنامه‌ریزان نسبت به این بعد کمتر حساسیت نشان دادند، درحالی که وجه تمایز فرهنگ ایرانی در مواجهه با پدیده کرونا، در این سطح و لایه تعریف می‌شود. اگر مدیریت کلان بخواهد مسیر و استراتژی حرکت را تعیین بکند، باید از این ظرفیت دینی که دارد، استفاده کند و گرنه این ظرفیت به هدر خواهد رفت.

اما نشانه‌های خوبی برای سطح برنامه‌ریزی و مدیریت ما در توجه به این ظرفیت‌های فرهنگی وجود ندارد و فکر می‌کنم ظرفیت دینی باید فضای تئوریک متناسب با خودش را سامان دهد. جامعه ایران، جامعه مدرن نیست و آینده ما، سوخت کردن جامعه دینی برای جهان سکولار - به‌مانند اتفاقی که در غرب رخ داد - نخواهد بود.

تقیه می‌کند. در حوزه تقیه دین بروز و ظهور ندارد و هیچ کدام از رفتارهای ظاهری را ندارد. اما دین در آن آسیب نمی‌بیند. این تقسیم‌بندی جناب آقای آزاد (بین عرصه‌های مختلف دین‌داری)، تقسیم‌بندی خوبی است، اما به نظرم نکته دیگری که باید در جای خودش مورد توجه قرار بگیرد، توجه به حقیقت دین و دین‌داری است که به همه این ابعاد وحدت می‌بخشد و مانع از گسست بین آن‌ها می‌شود.

● اگر در مناسک، آن بُعد معنوی و معرفتی نباشد، نفاق شکل می‌گیرد و اصلاً این مناسک نیست. این عامل وحدت را نمی‌شود از مناسک جدا کرد، این را نباید از نظر دور داشت. ایشان می‌گویند علما و روحانیون چه کار می‌کردند که هنوز بعضی از مناسک بروز و ظهور دارد؟ در پاسخ می‌گوییم: اتفاقاً علما این مناسک را حمایت و کنترل می‌کردند و هر جایی که شکل بدعت می‌گرفت، مقاومت می‌کردند.

و برایمان قابل هضم شدن نیست. همان طوری که مناسک از ابعاد دیگر قابل جدا شدن نیست، عمل کرد سیاسی، سیاست‌مداران، مدیران و برنامه‌ریزان ما اصلاً از یک دیگر قابل تفکیک نیستند. بحث این است که ما چون در سطح مدیریت، آگاهانه و درست عمل نمی‌کنیم، این هراس وجود دارد که این ظرفیت عظیم و توانمند دینی به خاطر فضای نظری و تئوریک، به

● ضعف نظری در بازخوانی فرهنگ دینی ایرانیان

یکی از مسائل ما در سطح تئوریک این‌گونه پدیده‌ها و حوادث است که هنوز نتوانستیم به تناسب این هویت و حقیقتی که در جامعه وجود دارد، مفهوم‌سازی کنیم. اگر عمل کرد و تاریخ خود را بازخوانی کنیم، می‌بینیم این دین بود که انقلاب کرد اما از حیث تئوریک کاری نکردیم. نه این‌که نتوانستیم، بلکه فضای تئوریک و مفهومی مدرن به یک شکلی غلبه دارد و کار را سخت و دشوار کرده است. الآن هم به مانند اول انقلاب، دین حضور جدی دارد، اما چون به لحاظ تئوریک و نظری درست عمل نمی‌کنیم، نمی‌توانیم تحلیل کنیم

نفع مدرنیته ایرانی سوخت بشود، یعنی بخواهیم این ظرفیت را به سوی جهان مدرن شدن ببریم. به نظرم این یک چالش جدی ماست و متدینین ما به همان اندازه که حضور فعال اجتماعی دارند، باید در سطح نظری و سیاست‌گذاری نیز تلاش کنند.

بحث این بود که ما واقعاً در سطح آگاهانه و سیاست‌گذاری، به این ظرفیت عظیم هیچ توجهی نمی‌کنیم تا برای آن برنامه‌ریزی بکنیم و به آن سرویس بدهیم. فقط داریم از عمل کرد دینی که منحصر به مناسک نیست، خدمت می‌گیریم و هیچ برنامه‌ریزی برای خدمت‌دادن طراحی نمی‌کنیم. مثالش را زدم و گفتم

الآن متدینین در حال جهاد هستند و مرگ آگاهی در میان مردم و متدینین بسیار بیشتر شده است. به نظرم، ارزش این‌ها کمتر از آن مسئله حسی، در مناسک مرسوم نیست. و چون الآن فرصت پیدا کرده است، زمینه عمق گرفتن این ابعاد در دین‌داری بیشتر خواهد شد. همان‌طور که جبهه یک نسلی را برای جهاد و جنگ وارد میدان کرد، کرونا نیز نشان داد، فعالیت‌های اجتماعی، امری بود که مورد غفلت دین‌داران بوده و کرونا توانست یک نوع سامان جدیدی به مناسبات اجتماعی و خدمات اجتماعی دین‌داران بدهد و ظرفیت‌های جدیدی را به ما نشان دهد

الآن متدینین در حال جهاد هستند و مرگ آگاهی در میان مردم و متدینین بسیار بیشتر شده است. به نظرم، ارزش این‌ها کمتر از آن مسئله حسی، در مناسک مرسوم نیست. و چون الآن فرصت پیدا کرده است، زمینه عمق گرفتن این ابعاد در دین‌داری بیشتر خواهد شد. همان‌طور که جبهه یک نسلی را برای جهاد و جنگ وارد میدان کرد، کرونا نیز نشان داد، فعالیت‌های اجتماعی، امری بود که مورد غفلت دین‌داران بوده و کرونا توانست یک نوع سامان جدیدی به مناسبات اجتماعی و خدمات اجتماعی دین‌داران بدهد و ظرفیت‌های جدیدی را به ما نشان دهد که آثار خودش را در آینده نشان خواهد داد.

چرا نمی‌شود مساجد را به صورت جدی فعال کرد؟ چرا چند سیاست جدی نسبت به همین حوزه مناسک، نداشته باشیم؟ هم در اصلاح سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌ها و هم در بازنمایی این فعالیت‌ها. واقعاً بازنمایی مناسبی از عمل کرد مذهب و دین انجام نشده است.

● کرونا؛ ظرفیتی برای نمایش مناسک دینی در عرصه اجتماعی

نکته خوبی را دکتر آزادارمکی اشاره کردند و اصلاً من از تحلیل ایشان و نحوه ورود و خروج ایشان استفاده‌های زیادی کردم و اگر هم تعریضی داشتم با استفاده از حرف‌های خود ایشان نسبت به این مسئله بود. آن نکته‌ای که الآن مهم است و مورد توجه ایشان قرار گرفت، با بیان دیگری می‌گویم. دین، گرم است و با همه وجود انسان ارتباط دارد و این ارتباط در سطح عمومی با جهات چهره‌به‌چهره زنده می‌شود یا بسط پیدا می‌کند.

شروع آن این‌گونه است، که ما بچه‌هایمان را در خانه با خانواده، با دیدار و شنیدار و ابعاد ظاهری کم‌کم به سمت دین می‌آوریم. درست است که شرایطی مانند وضعیت کرونا، به بعضی از هویت‌های دینی و ارتباطات گرم آسیب رسانده است، اما مانند دوران جنگ، یک شرایط جدیدی را واقعاً ایجاد کرد. ببینید جهاد خودش یک هویت دینی است. «فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ فَتَحَهُ اللَّهُ لِحَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ».^۴

که آثار خودش را در آینده نشان خواهد داد. و حتی همین برخورد حسی و عاطفی دیگر روی نخواهد داد. لذا این در

خودآگاه همه سطوح مردم نیست.

با این قسمت از سخنان دکتر آزاد کاملاً موافقم که حس و برخورد حسی و چهره‌به‌چهره نقش مهمی دارد. اما این به‌هیچ‌وجه از اهمیت فضای خیال و صور خیال و به‌دنبال آن فضای عقل نمی‌کاهد. دین

به‌نظر من از افق عقل جوانه می‌زند و خیال را اشباع می‌کند و در سطح رفتار و کنش‌ها خودش را نشان می‌دهد و اصلاً به‌جز این، دین نمی‌تواند بیاید. اتفاقاً باید گفت ثبات و استمرار دین بر پایه فهم عمیق (عقلانی) و نه احساسی است و وقتی که بعد خیال و بعد عقلی این دین قوی می‌شود، ثبات و استحکام آن قوی‌تر می‌شود. منظورم از بعد عقلی دین، اعتقاد و ایمان به دریافت و فهم معنای عمیق از دین است نه مفهوم استدلالی فلسفی آن.

● فضای مجازی؛ حقیقی یا مجازی؟

در مورد گسترش آیین‌ها و مراسمات در فضای مجازی می‌توانیم قدری عمیق‌تر بپردازیم. فضای مجازی به یک لحاظ حقیقی‌تر از فضایی است که ما آن را حقیقی می‌نامیم.

ثبات و استمرار دین بر پایه فهم عمیق (عقلانی) و نه احساسی است و وقتی که بعد خیال و بعد عقلی این دین قوی می‌شود، ثبات و استحکام آن قوی‌تر می‌شود. منظورم از بعد عقلی دین، اعتقاد و ایمان به دریافت و فهم معنای عمیق از دین است نه مفهوم استدلالی فلسفی آن.

● ملازمه ساحت عقلانی با بُعد احساسی و عاطفی دین‌داری

با این بحث‌های دکتر آزاد بهتر آگاه می‌شوم، که چرا ایشان این‌قدر بین حوزه‌های دین احساسی و عقلانی تفکیک می‌کنند. از نظر من، دین‌داری بدون تردید و بدون شک از افق احساسات آغاز می‌شود.

دین‌داری گرم است و برخورد چهره‌به‌چهره و احساس در آن وجود دارد، اما تقلیل دین و دین‌داری به ساحت احساس، نمی‌تواند قابل قبول باشد.

دین با مواجهه حسی، قوه خیال متناسب با خودش را ایجاد می‌کند و باز بالاتر که می‌رود هویت عقلی خودش را پیدا می‌کند و این‌ها اصلاً از هم‌دیگر قابل تفکیک نیستند. بله؛ در سطح عموم مردم در یک فرهنگ، همه قوت عقلانی ندارند یا ممکن است ارتباط خیال‌شان آن‌قدر قدرتمند نباشد اما در درون فرهنگ دو بُعد احساس و عقل باید هم‌دیگر را حمایت کنند. ما اگر فرهنگی داشته باشیم که فیلسوفان آن نیچه و کانت باشند، مواجهه با حس و برخورد با عالم حس و خیال در درازمدت نتیجه دیگری

در فضای ذهنی نیست. اما این مسئله، به خاطر ظرفیت خود عالم خیال نیست، به خاطر ضعف فعلی قوه خیال ماست، اگر از ظرفیت خیال استفاده شود، توانمندی‌های آن به مراتب بیشتر از افق حس است، اجازه بدهید بگوییم، حس چیزی جز خیال ضعیف و لرزان نیست. پس نباید اهمیت فضای مجازی را در نظر نگیریم.

فضای مجازی در واقع فضای خیال است و ما همواره در صحنه خیال زندگی می‌کنیم. می‌توان جهانی را تصور کرد که در آن این فضای حسی حذف شود و آن فضای ذهنی غالب گردد. در حدیث از حضرت امیر علیه السلام آمده است: «النَّاسُ نِيَامٌ

فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا»^۵ این فضای عینی که ما به عنوان عینیت تلقی می‌کنیم، این شکسته خواهد شد و بعد خواهیم فهمید فضای خیال ما فضای قوی‌تری بوده و با این نوع مأنوس‌تر و محشورتر است.

● رهایی یا مدیریت فضای مجازی

فضای مجازی موجود، دست ما نیست و تفاوت‌های جدی با فضای محسوس دارد. در این فضا، متدینین باید حضور بسیار

آنچه را که امروز در جهان موجود حقیقی می‌گوییم، حقیقی نیست و این نیز نوعی مجاز است، که جای حقیقت نشسته است. سؤالی که مطرح می‌شود این است که چرا ما برخوردهای طبیعی را حقیقی می‌دانیم؟ این همان پرسش پدیدارشناسانه هوسرل نیز هست که جهان طبیعی پوزیتویستی را در تعلیق می‌برد. یکی از ملازمات حقیقی دانستن عالم طبیعت، این است که من خودم را به بدنم تقلیل می‌دهم و همین‌طور دیگری را به بدنش تقلیل می‌دهم. اولین آسیب این باور، دوری ما از هم‌دیگر است و این که اصلاً نمی‌توانیم به هم‌دیگر وصل شویم.

انسان همواره از افق ذهن فعالیت می‌کند، حتی وقتی من، فرد دیگری را می‌بینم از مسیر فکر و خیال و از افق ذهنم او را می‌بینم، نه از افق جسمم. این درحالی است که در جهان فیزیکی خودم را به جسم می‌کاهم. در فضای مجازی که فضای ذهن است، حقیقت اول، ارتباطات ما با دیگران در افق خیال برقرار می‌شود و نباید این را دست‌کم گرفت. البته آن قوت و قدرتی که به خاطر نوع برداشت ذهنی و افق وجودی ما در مراجعه‌های چهره‌به‌چهره وجود دارد،

فضای مجازی در واقع فضای خیال است و ما همواره در صحنه خیال زندگی می‌کنیم. می‌توان جهانی را تصور کرد که در آن این فضای حسی حذف شود و آن فضای ذهنی غالب گردد. در حدیث از حضرت امیر علیه السلام آمده است: «النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا»^۵ این فضای عینی که ما به عنوان عینیت تلقی می‌کنیم، این شکسته خواهد شد و بعد خواهیم فهمید فضای خیال ما فضای قوی‌تری بوده و با این نوع مأنوس‌تر و محشورتر است.

مراتبی است، یعنی هرکسی که معرفت به دین دارد دین‌دار نیست. اما دین‌دار با یک افقی از معرفت پیوند می‌خورد. آن کسی که دین‌داری خودش را از محیط خانه و خانواده و آشنایان و اقوام می‌گیرد، فقط به خاطر قوم و قبیله خودش این همراهی را انجام می‌دهد و به قوم و قبیله خودش هم بازمی‌گردد. کسی که دینش را از عمل و کنش دیگران می‌گیرد، با تغییر آن‌ها، تغییر پیدا می‌کند. در حدیث داریم: «قَوَامُ الْمَرْءِ عَقْلُهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ»؛ قوام، (رکن نگه‌دارنده) مرد، خرد اوست و کسی که خرد ندارد، دین ندارد.» اصلاً کسی که عقل ندارد دین ندارد. دین هرکس به اندازه عقل اوست. اگر عقل فرد قوی شد و قدرتمند شد، آن دین، قوی و قدرتمند می‌شود.

مراد از عقل، در این جا، عقل مفهومی نیست که فیلسوفان بنشینند و آن کاری را که آن دین‌دار با آن گره خورده است، تفسیر کنند و بعد خودشان هم احیاناً متدین نباشند. دین در حوزه فرهنگ بسط پیدا می‌کند. اما در کانون دین‌داری، آن سطح معرفت مهم است. اگر سطح خیالی، عقلی و شهودی دین قوت و قدرت بگیرد، دین ثبات و استمرار پیدا می‌کند و نباید بخش گرم وجود انسان را به افق حس تقلیل دهیم.

جدی داشته باشند. من نمی‌توانم الآن به صورت قطعی حکم کنم که الزاماً آن چیزی که الآن در فضای مجازی غلبه دارد یا وجود داشته است، سرنوشت محتوم آن است. به عنوان مثال الان بخش عظیمی از فعالیت‌های حوزوی و دینی در فضای مجازی جریان دارد. به نظرم این تفکیک و تقسیم بین مجاز و حقیقت، نیازمند بررسی در نشست‌های جداگانه است. اما یک سؤال از دکتر آزادارمکی دارم، ما وقتی فضای مجازی و فضای طبیعی را در مقابل هم قرار می‌دهیم، به نوعی میان آن دو تفکیک قائل می‌شویم، واقعاً اگر فضای مجازی را رها کنیم و بگوییم متعلق به ما نیست، آیا فضای مجازی ما را رها می‌کند و ما با گسترش فضای مجازی، می‌توانیم دین‌داری را در فضای زندگی سنتی خودمان دنبال کنیم؟ آیا این امکان‌پذیر خواهد بود؟ ما تا چه میزان قدرت انجام این کار را داریم؟ فضای مجازی چه مقدار بر فرزندان و محیط زندگی ما غلبه پیدا کرده است و ما تا چه میزان می‌توانیم زندگی خود را از آن جدا کنیم؟

● ثبات عقلی در معرفت دینی

این نکته، که معرفت به دین غیر از خود دین‌داری است، نکته درستی است. دین‌داری گرم است، یعنی با عواطف و احساسات و ... ارتباط دارد. این هیچ جای تردیدی نیست. منتها معرفت به دین، دارای

پی نوشت:

۱. پیام حضرت امام خمینی رحمته الله بعد از فتح بستان -
۱۳۶۰/۹/۸.
۲. زخرف، آیه ۴۸.
۳. « الَّذِينَ إِن مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ »
(حج، آیه ۴۱).
۴. نهج البلاغه، خطبه ۲۷.
۵. بحار الانوار، ج ۴، ص ۴۳.
۶. تحف العقول، ص ۹۰.

